

## همه باهوش‌ها ریاضی‌دان نمی‌شوند

مفهوم عمومی که ما از هوش می‌شناسیم، همان هوش آکادمیک و اغلب هوش ریاضی است. به دلیل همین باور است که معمولا نمره ریاضی برای والدین بسیار مهم‌تر از نمرات دیگر است، در حالی که نمره ریاضی صرفا شاخص نوعی از انواع هوش است.



جام جم آنلاین: مفهوم عمومی که ما از هوش می‌شناسیم، همان هوش آکادمیک و اغلب هوش ریاضی است. به دلیل همین باور است که معمولا نمره ریاضی برای والدین بسیار مهم‌تر از نمرات دیگر است، در حالی که نمره ریاضی صرفا شاخص نوعی از انواع هوش است.

معمولا وقتی در درس ریاضی دچار ضعف می‌شویم، احساس خنگی و کم‌هوشی به ما دست می‌دهد، ولی آیا کسی که در درس ریاضی یا درس‌های آکادمیک مشکل داشته باشد واقعا کم‌هوش است؟

به گفته کارشناسان جنبه‌های دیگری غیر از هوش آکادمیک در زندگی ما وجود دارد که می‌تواند بسیار مهم و تاثیرگذار باشد. تست‌های سنتی هوش که بهره‌هوشی یا آی‌کیو نتیجه آنهاست، معمولا هوش آکادمیک را می‌سنجند. با این سنجش باهوش‌ترین‌ها کسانی هستند که نمرات بالایی درسی و موفقیت‌های تحصیلی بالایی دارند، نه افرادی که واقعا در زندگی موفقند.

دکتر وحید مجتهدزاده روانپزشک و روانکاو در این باره به جام‌جم می‌گوید: هوش توان و قابلیت سازگاری و پیشرفت در شرایط مختلف است. یک جنبه این تعریف می‌تواند همان هوش ریاضی باشد، مثلا اگر بچه‌ای می‌تواند یک مساله ریاضی را از راه کوتاه‌تر حل کند، هوش ریاضی بالاتری دارد. ولی آیا در جنبه‌های دیگر زندگی هم این مفهوم صدق می‌کند؟ به عبارتی مثلا یک مکانیک ماهر باهوش نیست؟ یک نوازنده یا یک فوتبالیست موفق باهوش نیستند و توانایی‌شان جزو هوش به حساب نمی‌آید؟ با توجه به تعریف هوش که توانایی سازگاری و عملکرد مناسب است، غیر از یک مکانیک ماهر یا یک نوازنده و فوتبالیست موفق حتی یک کشاورز هم که می‌داند چه موقع برای کاشت و برداشت مناسب است تا محصول خوبی به دست بیاورد نیز باهوش می‌باشد. پس هوش انواع مختلفی دارد و سعادت هر کس در آن است که در راهی هدایت شود که هوش بالایی در آن دارد؛ مثلا اگر بچه‌ای که نوع خاصی از هوش را دارد در راهی هدایت شود که نوع دیگری از هوش را می‌خواهد، موفق نخواهد شد.

### انواع هوش

طبق تحقیقاتی که انجام شده هوش به 8 دسته تقسیم می‌شود.

### هوش تصویری یا فضایی

انسان‌هایی که از هوش تصویری بالایی برخوردارند توانایی درک پدیده‌های بصری خیلی زیادی دارند، حتی در تجسم افکار و عقاید توانا‌تر از بقیه هستند. این افراد با تصاویر فکر می‌کنند و دوست دارند که افکار خود را روی کاغذ بیاورند.

نقشه‌ها، نمودارها و تصاویر برایشان جذاب است و حس‌های جهت‌یابی خیلی خوبی دارند.

برای این که این نوع هوش را بیشتر درک کنید چشمانتان را ببندید و فکر کنید که کره چشمتان از سرتان درآمده و به مکان‌های مختلف حرکت می‌کند، هر چه جزئیات بیشتر و دقیق‌تری را تجسم کنید و زوایا را درست به خاطر بیاورید از هوش تصویری بالاتری برخوردارید. افراد باهوش در این زمینه می‌توانند در معماری، نقاشی، تصویرسازی، مجسمه‌سازی، هنرهای تجسمی، دریانوردی، رانندگی تاکسی و مرمت وسایل مکانیکی موفق باشند.

### هوش زبان‌شناختی

دکتر مجتهدزاده در مورد این نوع هوش می‌گوید: کسانی که هوش زبان‌شناختی بالایی دارند می‌توانند از کلمات و زبان خوب استفاده کنند. اطلاعات عمومی بالایی دارند، چراکه قدرت شنیداری خوبی دارند. این افراد اخبار زیاد گوش می‌دهند و با دیگران زیاد صحبت می‌کنند. در سخنوری و خوب نوشتن و خوب خواندن مهارت دارند. این افراد با کلمات فکر می‌کنند. این افراد قصه‌گویی خوبی هستند و از طنز استفاده می‌کنند و معنای کلمات و ریشه‌های شفاهی فرهنگ بومی مثل ضرب‌المثل‌ها را خوب می‌فهمند. برای درک هوش زبان‌شناختی خود می‌توانید یک روزنامه را ورق بزنید و سعی کنید به جای تیترها و عنوان‌ها خودتان تیتر بزنید یا راجع به یک عنوان یک

متن بنویسید. روزنامه‌نگاری، شاعری، نویسندگی، تدریس، ادبیات، سیاست و وکالت به هوش زبان‌شناختی بالایی احتیاج دارند.

## هوش منطقی ریاضی

وی می‌افزاید: همان هوش مرسوم که در جامعه به‌عنوان هوش از آن یاد می‌شود در واقع هوش کلاسیک است. حساب کردن، استدلال کردن و کشف روابط علت و معلول به هوش ریاضی و منطقی مربوط است. انسان‌هایی که دارای هوش بالایی ریاضی و منطقی هستند به صورت مفهومی از الگوهای عددی و منطقی استفاده می‌کنند و بین اطلاعات مختلف از جزء به کل و بالعکس رابطه برقرار می‌کنند و می‌توانند استنتاج کرده و بین مفاهیم مختلف ارتباط برقرار کنند. معمولاً آزمون‌های معمولی هوش در مدرسه و دانشگاه این نوع هوش را نشان می‌دهد و به آن می‌پردازد. حل معماها و درک روابط انتزاعی با یکدیگر و کار کردن با اشکال هندسی می‌تواند توانایی شما را در این نوع هوش بسنجند. کاربرد این هوش در مهندسی، حسابداری، برنامه‌نویسی و فلسفه بارز است.

## هوش موسیقایی

به گفته این روانکاو اصلاً لازم نیست که کسی نوازنده یا خواننده باشد تا بگوییم هوش موسیقایی او بالاست، بلکه کسانی که زیر و بم و تن آهنگ‌ها را خوب تشخیص می‌دهند، کسانی که می‌توانند صداهای خواننده‌های مختلف را خوب از هم افتراق بدهند، کسانی که از زیر و بم صدای افراد می‌فهمند که چه احساسی دارند، از هوش موسیقایی بالایی برخوردارند. برای درک هوش موسیقایی یکی از جالب‌ترین راه‌ها این است که برای هر قسمت از زندگی روزمره خود یک موسیقی تصور کنید مثلاً ریتم موسیقی غذا خوردن، کار کردن و... خود را تصور کنید. گوش دادن به سبک‌های مختلف موسیقی و گوش دادن به صدای طبیعت مثل پرندوها، رودها و... و ربط دادن آنها به ابعاد مختلف زندگی به هوش موسیقایی مربوط است. مشخص است که در نوازندگی و آهنگسازی و نقد موسیقی این هوش از اهمیت بالایی برخوردار است.

## هوش جسمی حرکتی

دکتر مجتهدزاده معتقد است: استعداد کنترل حرکات ظریف بدنی، حرکات موزون، دستکاری ماهرانه اشیاء به هوش حرکتی بستگی دارد. در ورزش‌های حرفه‌ای، حرکات موزون ورزشی مثل کاراته و... پانتومیم و تئاتر و بازیگری، جراحی و مکانیکی این هوش بارز است. برای این‌که بتوانید میزان هوش حرکتی خود را بسنجید با یک دست مربع رسم کنید و با دست دیگر مثلث و ببینید آیا می‌توانید این کار را به‌صورت ماهرانه انجام دهید؟

## هوش میان فردی

به گفته این روان‌شناس، هوشی که به تنظیم روابط با دیگران مربوط است، همدلی کردن، برقراری ارتباطات شفاف، فهم احساسات افراد دیگر، توانایی برقراری ارتباط حسی با کسان دیگر از مظاهر این هوش است. افراد دارای هوش بالایی میان فردی می‌توانند به راحتی اعتماد دیگران را جلب کنند، به دیگران الهام بدهند، حلال مشکلات باشند و به اصطلاح رگ خواب افراد دیگر را خوب می‌دانند. برای درک هوش میان فردی ببینید می‌توانید با اقشار مختلف مردم ارتباط برقرار کنید. مشاغلی مانند مشاوره، مدیریت، معلمی، روابط عمومی، پزشکی، مددکاری اجتماعی، فروشندگی و بازاریابی هوش میان‌فردی بالایی می‌طلبند.

## هوش درون‌فردی

روان‌شناسان هوش درون‌فردی را توانایی که مربوط به درک‌کردن خود و شناخت خود و تعیین اهداف زندگی بر مبنای شناخت خود به شکلی خوب و مناسب است، می‌دانند. مثلاً وقتی از فردی می‌پرسیم هدف چیست و نمی‌داند و افرادی که از این شاخه به آن شاخه می‌پرند و نمی‌دانند که چه می‌خواهند از هوش درون‌فردی پایینی برخوردارند، اما فردی که خود را به خوبی می‌شناسد احساسات خود را می‌داند و اهداف مشخصی دارد از هوش درون‌فردی بالایی برخوردار است.

افراد باهوش در این زمینه مستقل‌ترند و نقاط ضعف و قوت خود را به خوبی می‌شناسند و تصویر کاملی از جنبه‌های خود دارند و می‌توانند خوب انتخاب کنند. برای این‌که هوش خود را در این زمینه بسنجید زندگینامه و رویاهایتان را بنویسید و ببینید می‌توانید جنبه‌های مختلف خود را تعریف کنید و روی کاغذ بیاورید. روانکاو، الهیات و عرفان هوش بالایی درون‌فردی می‌خواهد.

## هوش طبیعت

کسانی که توانایی این را دارند که طبیعت را درک کنند و ارتباط حسی با آن برقرار کنند و لذت ببرند هوش طبیعت بالایی دارند. ارتباط

با گیاهان و حیوانات و... از این قبیل هستند. افرادی که در خانه خود گل‌دان دارند یا حیوانی نگهداری می‌کنند، افرادی که به کوهنوردی می‌روند و در برابر طبیعت مثل تغییرات فصل‌ها واکنش‌های حسی نشان می‌دهند از هوش طبیعت بالایی برخوردارند و می‌توانند در کشاورزی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، زمین‌شناسی، نقاشی و عکاسی بیشتر موفق باشند.

## هوش هیجانی

هوش هیجانی یکی از مفاهیمی است که امروزه کم و بیش به گوش ما می‌خورد، اما شاید اطلاعات دقیقی راجع به آن نداشته باشیم. دکتر مجتهدزاده برای درک بیشتر هوش هیجانی از تفاوت آن با هوش ریاضی و منطقی شروع کرده و می‌گوید: افرادی که از هوش ریاضی بالایی برخوردارند معمولاً پیشرفت‌های تحصیلی خوبی دارند ولی ممکن است در زندگی شخصی و روابط خانوادگی مشکلات ارتباطی داشته باشند. این افراد معمولاً تحت کنترل هیجانات خود قرار می‌گیرند و نمی‌توانند به درستی رفتار کنند، ولی افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند بیشتر احساس خوشبختی و موفقیت دارند و در ارتباطات خود با خانواده و اطرافیان موفق‌ترند از شغل خود رضایت دارند و کنترل بحران بسیار خوبی دارند و پس از تجارب ناراحت‌کننده و شکست‌ها به سرعت خود را بازسازی کرده و به زندگی بازمی‌گردند.

این روانپزشک می‌افزاید: هوش هیجانی با ضریب هوشی متفاوت است، ضریب هوشی مربوط به انجام درست مسائل و امور شناختی است و هوش هیجانی به معنی قابلیت‌ها و مهارت‌هایی است که ما را کمک می‌کند تا به طریق مناسب با نیازها و فشارهای محیط مقابله کنیم و به نتیجه خوبی برسیم. بر خلاف ضریب هوشی، هوش هیجانی قابل آموزش و یادگیری است و مهارت‌های آن را می‌توان یاد گرفت و یاد داد. هوش منطقی و ریاضی بیشتر به ژنتیک بستگی دارد و انواع بقیه هوش‌ها بخصوص هوش میان‌فردی و هوش درون‌فردی به محیط اولیه و تربیتی وابسته است. هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای موفقیت در جنبه‌های مختلف زندگی مثل شغل، مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی است. کسانی که هوش هیجانی کمی دارند بیشتر در معرض اختلالات روانی مثل اختلالات خلقی و اضطرابی و سوء‌مصرف مواد و بیماری‌های روان‌تنی مثل زخم معده و بیماری‌های قلبی و... هستند. هوش ریاضی تا 10 سالگی به تدریج بیشتر می‌شود و معمولاً تا آخر عمر ثابت می‌ماند و بسیار به ژنتیک مرتبط است، اما هوش هیجانی به‌طور طبیعی تا 50 سالگی زیاد می‌شود و سپس به حالت تعادل درمی‌آید.

دکتر مجتهدزاده هوش هیجانی را این‌گونه تعریف می‌کند: مجموعه هوش میان‌فردی و درون‌فردی را هوش هیجانی می‌نامیم. هوش هیجانی تشخیص، ارزیابی و بیان هیجان‌ها به نحو صحیح و سازگارانه است. کنترل هیجانات منفی مثل اضطراب و افسردگی و ترس و ایجاد هیجانات مثبت به منظور بهتر شدن فعالیت‌های ذهنی و عقلی و شناختی و چگونگی متمرکز کردن انرژی خود بر رفتارهای بهتر و سازگارانه‌تر در جهت هدف مستلزم داشتن هوش هیجانی بالایی است. درک مفاهیم مربوط به هیجان‌ها کاربرد مناسب زبان ارتباطی هیجانی و توانایی تنظیم هیجانات در خود شخص و دیگران مسائلی است که به هوش هیجانی مربوط است.

به گفته کارشناسان هوش هیجانی دارای 5 جزء است:

- 1 - خودآگاهی: تشخیص و آگاهی لحظه به لحظه از هیجانات خود و توانایی نامگذاری روی هیجان‌ها.
- 2 - مدیریت احساسات: چگونگی مهار احساسات منفی مثل افسردگی، غم، خشم و... چگونگی داشتن واکنش احساسی مناسب.
- 3 - خودانگیزگی: چگونگی حفظ خوش‌بینی در مشکلات و دادن انگیزه به خود در مواقع شکست.
- 4 - همدلی: چگونه احساسات دیگران را بفهمیم.
- 5 - مدیریت روابط: چگونه احساسات دیگران را مدیریت کنیم. چگونه مهارت‌های اجتماعی داشته باشیم که بر مبنای فهم خود از احساس دیگران بهترین عملکرد را داشته باشیم و در کل مهارت‌های اجتماعی که برای ایجاد روابط موثر در جامعه مفید است.

## سخنی با والدین

با خواندن این مطالب می‌توان به اهمیت هوش هیجانی پی برد و فهمید که ما به عنوان والدین می‌توانیم فرزندمان را با هر بهره هوشی که به دنیا می‌آیند با هوش بالا یا پایین تربیت کنیم، هوشی که غیر از حل مسائل ریاضی باشد و به جنبه‌های بالقوه فرزند ما مربوط شود، جنبه‌هایی که ممکن است از وجود آنها بی‌خبر باشیم. برای این که بتوانیم هوش فرزند خود را در زمینه‌های مختلف بسنجیم باید همه ابعاد شخصیت و استعدادها را در بستری مناسب بررسی کنیم و اولین راه آن مشاهده توسط والدین است. وقتی به رفتارهای کودک خود از همان بدو تولد دقت کنید می‌بینید که علایق کودک به راحتی در رفتار او نمایان است و توانایی‌های

او در انجام کارهای مختلف با دیگر کودکان همسن خودش متفاوت است. رفته رفته با بزرگ‌تر شدن کودک می‌توان به راه‌های دیگری مانند گفت‌وگو با خود کودک و ایجاد فضاهایی برای اندازه‌گیری و بررسی جنبه‌های دیگر هوش در کودک استفاده کرد و در مدرسه نیز از روی نمرات کودک و ایجاد ارتباط او با دیگران و علایق او در زمینه‌های غیردرسی به نقاط قوت و ضعف فرزندمان پی ببریم.

پس از پی بردن به استعدادها و هوش بالای فرزندان در زمینه خاصی آن را باور کنید و به او میدان دهید تا بتواند رشد کند و هیچ‌گاه سعی نکنید که فرزندان را مجبور به پیشرفت در زمینه‌هایی که خودتان دوست دارید کنید چراکه تنها جلوی پیشرفت او را خواهید گرفت.

حدیث‌السادات میرزایی / جام‌جم